



فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی

www.shahrivand-newspaper.ir

صاحب امتیاز: جمعیت هلال احمر

مدیر مسئول: عبدالرسول وصال

نشانی: تهران، فلکه دوم صادقیه

ابتدای بزرگراه محمدعلی جناح

کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴

کد پستی: ۱۴۸۳۷۷۶۱۷

فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰

تلفن: ۷-۰۱۰۴۴۹۵۶۱۰۰

تلفن روابط عمومی: ۴۴۹۵۶۱۰۹

چاپ: جام جم

توزیع: شرکت دنیای اقتصاد تابان

تلفن: ۸۷۷۶۲۲۰۰

امور شهرستانها: ۸۷۷۶۲۲۰۱

تلفن سازمان آگهیها: ۴۴۹۵۶۲۰۰-۲

فکس: ۴۴۹۵۶۲۰۳

میتاق نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه شهرود

را در سایت بخوانید

http://shahrivand-newspaper.ir/

Misagh_Name

telegram.me/Shahrivand_Newspaper

instagram.com/Shahrivand-Newspaper

تقویم تاریخ

این شرحی نهایت

از نگاه نایک بپرهیزید که چنین نگاهی تخم شهوت را در دل می‌کارد و همین برای فتنه صاحب‌ان دل بس است. امام صادق (ع)

قد خرامان دوست

آن که دل من چو گوی در خم چوگان اوست موصف آزادگان بسر سر میدان اوست ره به در از کوی دوست نیست که بیرون برند سلسله پای جمع زلف پریشان اوست چند نصیحت کنند بی‌خبرانم به صبر درد مرزای حکیم صبر نه درمان اوست گر کند انعام او در من مسکین نگاه ور نکند حاکم‌ست بنده به فرمان اوست گر بزند بی‌گناه عادت بخت من‌ست ورنسوزد به لطف غایت احسان اوست میل ندارم به بساط انس نگریم به سرو سروی اگر لایق‌ست قد خرامان اوست چون بتواند نشست آن که دلش غایب‌ست یا بتواند گریخت آن که به زندان اوست حیرت عشاق را عیب کند بی‌بصر بهره‌ن‌دارد ز عیش هر که نه حیران اوست چون تو گلی کس ندید در چمن روزگار خاصه که مرغی چون بلبل بستان اوست گر همه مرغی زنده سخت کمانش به تیر حیف بود بلبلی کاین همه دستان اوست سعدی اگر طالبی راه رو و رنج بر کعبه دیدار دوست صبر بیابان اوست

سعدی

رخداد

بازگشایی موزه بریتانیا در لندن برای بازدید عموم، دارای بیش از ۷ میلیون قطعه از آثار فرهنگی دوران مختلف (۱۷۵۹ میلادی) بازگشایی پنتاگون، مقر اصلی وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا و پرطرفدارترین ساختمان اداری جهان (۱۹۴۳ میلادی) مشارکت نیروی هوایی ایران در تأمین صلح و یکپارچگی کشور کنگو به درخواست دبیر کل سازمان ملل متحد (۱۳۴۱ خورشیدی) افتتاح سد عظیم اسوان روی رود نیل در مصر (۱۹۷۱ میلادی) پایان ضرب‌الاجل سازمان ملل متحد به عراق برای عقب‌نشینی از خاک کویت (۱۹۹۱ میلادی)

طلوع

الکساندر سرگیویچ گریبایدوف - دیپلمات، نماینده متونیس، شاعر و آهنگ‌ساز روس، سفیر تام‌الاکتیار روسیه تزاری در ایران، برای تدوین عهدنامه ترکمانچای (۱۷۹۵ میلادی) پی‌بر ژوزف پرودون - فیلسوف، اقتصاددان و جامعه‌شناس فرانسوی، از متفکران برجسته فلسفه (۱۸۰۹ میلادی) ادوارد تلر - فیزیکدان آمریکایی با تبار مجارستانی، از بنیانگذاران فناوری هسته‌ای ایالات متحده آمریکا و پدر بمب هیدروژنی (۱۹۰۸ میلادی)

غروب

فرانسیس آن کمبل - نویسنده، شاعر و بازیگر برجسته تئاتر اهل بریتانیا (۱۸۹۳ میلادی) فاضل کوچوک - روزنامه‌نگار و سیاستمدار اهل قبرس، رهبر ترک‌های این کشور تا ۱۹۷۳ میلادی (۱۹۸۴ میلادی) شان مک‌برايد - فعال حقوق بشر، برنده جایزه صلح نوبل سال ۱۹۷۴ میلادی، وزیر سابق امور خارجه ایرلند و سیاستمدار بین‌المللی (۱۹۸۸ میلادی) ناگیسا اوشیما - کارگردان ژاپنی، صاحب آثاری چون: قصه بی‌رحم جوانی، در قلمرو احساسات (۲۰۱۳ میلادی)

قاب کوچک



چاپ عکس تدادی از رهبران فعلی و اسبق جهان روی کیسه بوکس، در نمایشگاه هنر استیجس، عکس: یوچین گارسیا / EPA

بکرمان از اروپای شرقی

لادکروی، کمی قبل از نیمه‌شب برخاسته و در میان بهت و تعجب دیگران اعلام کرده بود که به بیمارستان می‌رود تا عکس مغزش را بگیرد، به سختی توانسته بودیم نگاهش داریم و نهایتاً متقاعدش کنیم که کمی دراز بکشد، بعد روی نیمکتی نشسته و پس از یک ربع بلند شده بود تا این‌بار علیه اداره آپ‌نامه بنویسد، هرگز موفق نشدیم انگیزه‌اش را کشف کنیم، حتی که توانسته باشد وادارش کند به عکس مغز و امور آب‌بندیشد. ماریان با لباسی زیبا و همان مدل موی همیشگی وارد شده و هیچ نشانی از بدخلقی یا اضطراب بروز نکرده بود و حتی در آغاز لیخند به لب ظاهر شده بود، هر چند که در ادامه، پس از اینکه نوعی سردی نسبت به خود احساس کرده بود، کمی قیافه گرفته و بعد خودش را در پوششی از غم و اندوه پیچانده بود. به نظر می‌رسید این دقیقاً همان چیزی بود که مخالفانش انتظار داشتند، زیرا با دیدن اولین نشانه دلخوری در خطوط چهره‌اش ناگهان نشاطی در وجودشان جوشیدن گرفت، گویی که بخواهند تمایز میان شادی خود و غصه او را برجسته کنند. «مهتاب» نوشته اسماعیل کاداره با ترجمه محمود گودرزی در نشر چترنگ در ۸۶ صفحه و با قیمت ۱۰ هزار تومان منتشر شده است.



«مهتاب» نوشته اسماعیل کاداره داستانی در آلبانی و در دوران حکومت کمونیستی آئور خوجه با ترجمه محمود گودرزی در نشر چترنگ منتشر شد. اسماعیل کاداره، رمان‌نویس مشهور آلبانیایی در ایران برای علاقه‌مندان به ادبیات داستانی نامی آشنا است. برخی از آثار ترجمه شده او در ایران عبارت‌اند از: «تزال اثرش مرده»، «مستان سخت»، «عقاب»، «کنسرت در پایان زمستان»، «اوریل شکسته».

که کسی دوروتن را بازآورد؟» و «کاخ رویاها». داستانی در آلبانی و در دوران کمونیستی آئور خوجه می‌گذرد، دختری جوان به نام ماریان در شبی مهتابی از مردی جوان سوالی می‌پرسد، چندی بعد که مرد نامزد می‌کند همین سوال ساده منجر به برانگیخته شدن سوءظن‌ها و حتی برپایی دادگاه‌هایی می‌شود که به وفور در جوامع استبدادزده دیده می‌شود. ماریان زیر بار تهمت و افترا به دفاع از خودش بر می‌خیزد. در بخشی از متن رمان «مهتاب» می‌خوانیم: «ابتدا متوجه چیزی نشدم و روی هم‌رفته بر ایمن مسأله‌های طبیعی بود. جشن شبانه سازماندهی شده به مناسبت اهدای جایزه شور سوسیالیستی به موسسه یک روز بعد از سالگرد تولد سزار برگزار شد و هنوز از حال‌وهوای آن خارج نشده بودیم. درست در این جشن به یادماندن بود که

حرف روز



مهدی بهلولی

آموزگار

توس همیشه بد نیست

تا همین دوماه پیش، هنوز هم از احمدی‌نژاد و عملکردش دفاع می‌کرد اما هم‌اکنون و با یک دگرگونی ۱۸۰ درجه‌ای، سراسر، از بهبود اوضاع ناامید شده است و قهرمان بهمانسای ایران را جریانی می‌داندست که شنیدن آن از زبان او به‌عنوان یک اصولگر، بابور کردنی نبود. فرادستان سیاسی ما نباید فرصت را از دست بدهند. این روزها برخی از قدرت به‌دستان و تریبون‌داران کشور، چنان با تندی و ناسزاگویی با مردم معترض سخن می‌گویند که گویی این مردم در بهشت برین می‌زیست‌اند و به یکباره و از سر سیری و خوشی و آزادی، از فرمان آنان نمرت کرده‌اند! یکی نیست به این آقایان بگوید که این ره که می‌روید، همان است که گذشتگان رفتند و بی‌گمان به ترکستان است. با تندی و ناسزا نباید با تنگ‌دستان و جوانان بیگزار سخن بگویید. به جای دست از باندبازی و جناح‌بازی بردارید و با گذشت از سودهای شخصی و خانوادگی و گروهی مقطعی تا دیرتر نشده و کار از کار نگذشته، این وضع نابسامان اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی را بهبود بخشید. «چو فردا شود فکر فردا

این کتاب را با خیال راحت بخوانید

اندر احوال یک رمان تصویری

برنامسروری

نسل دی‌وی‌دی و فیلم و سریال را می‌توان راحت‌تر خواند و فهمید. لیلا، شبانه و روحا، سه دختر از سه نقطه کشورند - دوتایشان دقیقاً از شمال و جنوب‌اند - که در دانشگاه یکدیگر را پیدا کرده‌اند و داستان زندگی‌شان در هم تنیده شده است. بحث مهاجرت که یکی از دغدغه‌های جوانان امروز است، از پیرنگ‌های اصلی و پررنگ کتاب است. تهران‌نگاری هم یکی دیگر از نقاط مشترک داستان‌های نویسندگان این نسل است، اگرچه در کتاب‌هایشان حتماً سری به خیابان انقلاب می‌زنند، کما این که در این کتاب هم از سینما بهمن و سمیوسه می‌خوانیم و کمی جلوتر هم به هفت‌تیر و سپهروردی و مهناز و نیلوفر و مغازه‌های سرک می‌کشیم. اشاره به ویلاگ نویسی هم از مختصات همین نسل از نویسندگان است. یکی دیگر از نکات جالب، کتاب‌گفتن از محصولاتی است که شدت در زبان معاصره امروزان جا افتاده و کاربرد بی‌شده‌اند. دست‌مخامان کلینکس، وایتکس یا بفسک مثال‌هایی ماندگار از این دست هستند که به نظر می‌رسد هر

«پاییز فصل آخر سال است» به قلم نسیم مرعشی، راوی داستان جوان‌های طبقه متوسط است. قصه‌هایی که کاملاً برایمان آشنا هستند و در میان دوستان و فامیل و همکاران مشابه‌اش را لمس کرده‌ایم. روایتگران داستان در دو فصل کتاب - که دو فصل سال یعنی تابستان و پاییز را هم در برمی‌گیرد - عوض می‌شوند و گاهی یک اتفاق را از زاویه دیدهای مختلف به تماشا می‌نشینیم. البته این‌جا به کاربردن لغت «تماشا» چندان هم اشتهای نیست، چون نویسنده این اثر مثل دیگر نویسندگان هم‌نسلش نثری تصویری دارد و تو گویی کتاب نمی‌خوانی و در حال تماشای فیلم یا سریالی هستی. توصیف‌ها در داستان‌های این گروه سنی شدت سینمایی‌اند که حداقل به نظر نگارنده خاصیت نسلی است که از وقتی چشم‌باز کرده تا روزی که بخواهد، به خواب طولانی تری برود. دایم با تصاویر متحرک سروکار داشته و دارد. گو این که دیگر این روزها دنبال کردن فعل‌های مختلف سریال‌های روز دنیا کاری شگرف محسوب نمی‌شود و شاید به همین خاطر کتاب‌های



از هر دری سخنی

خیلی دور و خیلی نزدیک

استادی از شاگردانش پرسید: «چرا ما وقتی عصبانی هستیم داد می‌زنیم؟ چرا مردم هنگامی که خشمگین هستند صدایشان را بلند می‌کنند و سر هم داد می‌کشند؟ شاگردان کتری کردند یکی از آن‌ها گفت: «چون در آن لحظه، آرامش و خونسردیمان را از دست می‌دهیم». استاد گفت: «اینکه آرامش خود را از دست می‌دهیم درست است اما چرا با وجودی که طرف مقابل کنارمان قرار دارد داد می‌زنیم؟ آیا نمی‌توان با صدای ملایم صحبت کرد؟ چرا هنگامی که خشمگین هستیم فریاد می‌زنیم؟» شاگردان هر کدام جواب‌هایی دادند اما پاسخ‌های هیچ کدام استاد را راضی نکرد. سرانجام استاد چنین توضیح داد: «هنگامی که دو نفر از دست یکدیگر عصبانی هستند، قلب‌هایشان از یکدیگر فاصله می‌گیرد. آن‌ها برای این که فاصله را جبران کنند مجبورند که داد بزنند. هر چه میزان عصبانیت و خشم بیشتر باشد، این فاصله بیشتر است و آن‌ها باید صدایشان را بلندتر کنند. از طرف دیگر هنگامی که دو نفر عاشق هم‌دیگر باشند اتفاقی شگرف می‌افتد. آن‌ها سر هم داد نمی‌زنند بلکه خیلی به آرامی با هم صحبت می‌کنند. چرا؟ چون قلب‌هایشان خیلی به هم نزدیک است. فاصله قلب‌هایشان بسیار کم است. هنگامی که عشق‌شان به یکدیگر بیشتر شد، چه اتفاقی می‌افتد؟ آن‌ها حتی حرف معمولی هم با هم نمی‌زنند و فقط در گوش هم نجوا می‌کنند و عشق‌شان باز هم به یکدیگر بیشتر می‌شود. سرانجام، حتی از نجوا کردن هم بی‌نیاز می‌شوند و فقط به یکدیگر نگاه می‌کنند. این هنگامی است که دیگر هیچ فاصله‌ای بین قلب‌های آن‌ها باقی نمانده باشد.»

اعتقاد اعتماد امید

اهالی روستایی تصمیم گرفتند که برای نزول باران نماز باران اقامه کنند. روزی که تمام اهالی برای نماز و دعا در محل مقرر جمع شدند یک پسر چوپان با چتر آمده بود! این یعنی اعتماد.

وقتی یک کودک یک ساله را پدرش به هوا پرتاب می‌کند او تا ته دل می‌خندد برای اینکه مطمئن است پدرش او را خواهد گرفت! این یعنی اعتماد.

شما هر شب به خنثوب می‌روید بدون اطمینان از اینکه زود بیدار می‌شوید و خواب بیدار شوید ولی همیشه برای روز بعد خود بر نامه دارید! این یعنی امید.